

رخداد

انکار جنایت در بازداشتگاه

●**شرق:** مردی که متهم است در بازداشتگاه پلیس پیرمردی را به قتل رسانده در جلسه دادگاه منکر اتهامات خود شد. در ابتدای جلسه محاکمه که در شعبه ۱۱۳ دادگاه کیفری استان تهران برگزار شد نماینده دادستان در جایگاه حاضر شد و گفت: در این پرونده مهدی ۴۱ ساله متهم است.آبان سال ۸۹ در جریان درگیری در بازداشتگاه پایگاه سوم پلیس آگاهی مرد ۸۵ ساله‌ای را به قتل رسانده است. صالحی ادامه داد: قربان دارای سابقه کیفری است و در زمان قتل به ظن دست داشتن در یک سرقت بازداشت شده بود. این متهم از تاریخ ۱۹ مرداد سال ۹۰ به اتهام قتل بازداشت شد. با توجه به اعترافات متهم بازسازی صحنه قتل و گزارش پزشکی قانونی برای وی تقاضای مجازات قانونی را دارم. سپس اولیای دم با قرار گرفتن در جایگاه برای قاتل پدرشان تقاضای اعدام کردند.قاضی همتیار، این بار متهم را به جایگاه دعوت کرد و از او خواست در برابر اتهام قتل از خود دفاع کند متهم گفت: مرا به اتهام مظنونیت در سرقت به بازداشتگاه پلیس آگاهی منتقل کرده بودند و با چند متهم دیگر در آنجا بودیم، مقتول به خاطر سنش زیاد سر و صدا می کرد و از همه چیز می‌نالید این موضوع اعصاب من را به هم ریخته بود. به همین خاطر افرادی که در بازداشتگاه بودند چند بار با او درگیر شدند. متهم ادامه داد: شب حادثه مقتول خیلی سر و صدا کرد و از نگهبانان خواست تا در را باز کنند و او به دستشویی برود اما کسی توجهی نکرد یکدفعه لباسش را کنفیث کرد و در همان شرایط مانده بود، چند ساعت بعد در حالی که قدرت حرکت نداشت پای من را گرفته بود و سعی می کرد خودش را به من برساند من هم عصبانی شدم و با کف پا چند ضربه به کنفیث زدم. به هیچ عنوان قصد کشتن او را نداشتم. متهم گفته‌های شاهدان را در مورد اینکه دیده‌اند او با پا ضرباتی به سر مقتول زده است رد کرد و گفت: من فقط چند ضربه به پهلوش زدم و دیگران هم او را می‌زدند این مساله ربطی به من ندارد و قاتل نیستم.بعد از دفاعیات متهم و وکیل مدافع او هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.

کلاهبرداری از مستاجران

●**شرق:** پلیس در جست‌وجوی مردی است که تحت عنوان بنگهدار از مستاجران مبالغی کلان را کلاهبرداری و فرار کرده است. به گزارش خبرنگار ما زن جوانی روز ۲۳ اردیبهشت طی شکایتی به مأموران گفت:«یک هفته پیش، از طریق بنگاه املاکی واقع در خیابان دولت،آپارتمانی را اجاره کردم اما پس از مراجعه به بنگاه متوجه شدم این بنگاه به صورت شبانه تخلیه شده و مدیر و کارکنان آن پس از کلاهبرداری و گرفتن مبلغ ۲۴میلیون تومان به بهانه پول ودیعه، متواری شدند.» پرونده در پی طرح شکایات‌های مشابه برای رسیدگی تخصصی در اختیار اداره چهاردهم مبارزه با کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. مالباختگان در اظهارات مشابه با معرفی جوانی به نام«مهدی عسگری» به عنوان مدیر«ملاک کوشا» عنوان کردند مبالغی میلیونی را به عنوان ودیعه مسکن به مدیر بنگاه دادند اما او و کارکنانش که دو مرد مستند متواری شده‌اند، کار آگاهان با بررسی اسناد و مدارک تنظیم شده در بنگاه، اطلاع پیدا کردند این بنگاه فاقد هرگونه مجوز قانونی است. سرهنگ فریدون رهبریان، معاون مبارزه با جلع و کلاهبرداری پلیس آگاهی تهران با اشاره به شناسایی ده‌ها مالباخته و ارزش چندصد میلیون‌تومانی این پرونده گفت:«تحقیقات برای دستگیری متهمان ادامه دارد.»

قاتل پس از ۱۰ سال تسلیم شد

●**شرق:** قاتلی پس از ۱۰ سال خود را به دادگستری دارب معرفی کرد. مردی ۴۰ ساله در ۳۱ خرداد ۸۱، کنار چشمه‌ای در دارب به قتل رسید و کلت کمری و چند فشنگ کلاشینکف در کنار جسد وی کشف شد. خانواده مقتول آن زمان به سه نفر مشکوک بودند که هر سه آنها بازداشت اما پس از تحقیقات لازم بی‌گناه شناخته و آزاد شدند. به دلیل دستگیر نشدن قاتل دیه مقتول از بیت‌المال پرداخت شد تا اینکه چند روز قبل فردی به بازپرسی دادگستری دارب مراجعه و اعلام کرد از قاتلی که ۱۰ سال قبل اتفاق افتاده بآخیر است و به دلیل غلب وجدان، قصد برپلا کرن آن را دارد. این مرد اعتراف کرد روز حادثه در کنار چشمه آب گل در گردنه بالش با مقتول درگیر شد و وی را با کلاشینکف به قتل رساند.

مستخدم خانه، سارق از آب درآمد

●**شرق:** زنی که به عنوان مستخدم در خانه‌ای کار می‌کرد با استفاده از نبود صاحبخانه سکه‌های طلای او را ربود. زنی روز جمعه به کالتری شهرزبیا رفت و عنوان کرد از منزلش سرقت شده و در این زمینه به کارگر منزلش به نام«ملیحه» مشکوک است.مأموران با شکایت مالباخته‌به تحقیق درباره کارگر منزل پرداختند و فهمیدند این زن که ملیحه نام دارد از شش ماه قبل در خانه شکای می‌شغول به کار شده است. این زن بازداشت شد و وقتی مأموران منزل وی را که در خارج از تهران قرار داشت مورد بازرسی قرار دادند، ۱۲ عدد نیم سکه، هفت عدد تمام سکه، یک گوشی موبایل و مبلغ یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان تراول چک و تعداد زیادی کارت عابر بانک مسروقه را کشف و ضبط کردند. متهم در بازجویی‌های فنی به جرم خود اعتراف و بیان کرد با سوءاستفاده از نبود مالک ساختمان و به دلیل مشکلات مالی دست به سرقت زده است.

شرق: زمانی که محمد کوچک داشت کنار رودخانه کرج بازی می کرد و به بوسه‌های مادرش چشم دوخته بود که بر گونه‌های خواهر می چسبید نمی‌دانست که تا لحظاتی دیگر قرار است هر دو آنها قربانی زندگی تلخ مادر شوند. مادر این دو کودک روز گذشته در جلسه دادگاه شعبه ۷۱ دادگاه کیفری استان تهران حاضر شد و جزییات قتل دو فرزندش را برای قضات توضیح داد. سیدرضایی – نماینده دادستان – در ابتدای جلسه محاکمه در جایگاه حاضر شد و در توضیح جزییات این قتل‌ها گفت: متهم که زنی ۳۳ ساله به نام مینا است پنج سال قبل دو فرزندش به نام‌های محمد هفت ساله و زهرا سه ساله را خفه کرده و اجسادشان را به رودخانه انداخته است. جسد زهرا لحظاتی بعد از قتل کشف شد و جنازه محمد هیچ‌وقت پیدا نشد اما تحقیقات پلیس نشان داد هر دو کودک کشته شده‌اند.

نماینده دادستان اعلام کرد: «متهم» از نظر پزشکی قانونی مسوول اعمال خودش است و من درخواست صدور حکم قانونی در این خصوص دارم هرچند متهم توانسته از تنها ولی‌دم که پدر مقتولان است رضایت بگیرد اما داسرا با توجه به جنبه عمومی جرم درخواست مجازات متهم را دارد.»

در ادامه مینا در جایگاه حاضر شد. او که به پنهانی صورتش اشک می‌ریخت و به سختی روی پای خودش ایستاده بود وقتی در برابر قضات قرار گرفت اتهام قتل را قبول کرد و گفت: دیگر نمی‌توانستم وضعیت را تحمل کنم. من و بچه‌هایم شرایط بدی داشتیم و می‌خواستیم آنها را از این بدبختی نجات بدهم. هرکس در آن شرایط قرار می‌گرفت کار من را می کرد.دخترم داشت بزرگ می‌شد و شوهری داشتم که به بچه خودش رحم نمی‌کرد چطور می‌توانستم این وضعیت را تحمل کنم. خیلی تحت فشار بودم. در این هنگام قاضی عزیزمحمدی – رییس دادگاه – خطاب به متهم گفت: اگر حرفت را قبول کنیم و ببندیم در شرایط بدی بودی و ببندیم که زمین و آسمان روی سرت خراب شده‌بود این چه ربطی به بچه‌های بی‌دفاع و بی‌گناه داشت تو یک مادر هستی چرا چنین رفتاری با بچه‌هایت کردی؟

مینا گفت: شوهرم خیلی اذیت می‌کرد هر کاری را که فکر می‌کردم باید برای خوب شدنش انجام دهم کردم اما فایده‌ای نداشت. حتی خواستم جدا شوم اما نشد. شما پشت میز نشست‌اید و نمی‌دانید من چه می‌کنم. چه زندگی‌ای داشتم و چه بدبختی‌هایی تحمل کردم فقط من را متهم می‌کنید بدون اینکه بدانید چه بر سرم آمده است.

وقتی قضات به این زن اطمینان دادند همه حرف‌هایش را گوش می‌دهند دادستان زندگی‌اش را شرح داد و گفت: هشت سال قبل از این حادثه با شوهرم ازدواج کردم و می‌خواستم کنار او زندگی خوبی داشته باشم. باردار شدم و محمد به دنیا آمد اما از همان موقع فهمیدم که شوهرم مرد بدی است. او مشکلات اخلاقی زیادی داشت. کارهایش من را تحت فشار قرار می‌داد. به او گفتم که این کارها را نکنند هر بار اعتراض‌های می‌کرد

بعد دوباره به کارش می‌پرداخت. اوایل فکر می‌کردم مشکلم من هستم و دیگر دوستم ندارد با خودم کنار آمده بودم و به خاطر محمد تحمل می‌کردم اما بعد

از مدتی مشکلاتش بیشتر شد. او مزاحم زنان همسایه و حتی بچه‌های آنها می‌شد. در این مدت دومین فرزندمان به دنیا آمد. من گرفتار بچه‌ها بودم و در این اوضاع رفتارهای شوهرم بدتر شد او کودکا‌زار شده بود. همسایه‌ها جلو در خانه ما می‌آمدند و گلابه می‌کردند و حتی چند باری هم از شوهرم شکایت کردند او آبرویم را برده بود. تصمیم گرفتم از او جدا شوم به دادگاه رفتم و درخواست طلاق دادم اما گفتند باید ثابت کنی شوهرت فساد اخلاقی دارد. من چطور می‌توانستم این موضوع را ثابت کنم هیچ‌کس حاضر نبود ببیزد شوهرم مشکل دارد. او بنه دادگاه آمد و گفت که من و بچه‌هایش را طلاق بگیرم و تصمیم گرفتم او را پیش پزشک ببرم. متهم ادامه داد: با هم به دکتر رفتمیم و داروهای زیادی برای درمانش تجویز شد مبلغ زیادی پول دادم و داروها را خریدم بعد از چند روز متوجه شدم شوهرم داروها را دور ریخته و از آنها استفاده نمی‌کند. آخرین بار که با هم دعوا کردیم به من گفتم می‌خواهد راهش را تغییر دهد و روابط جنسی متعدد را دوست دارد. دخترم داشت بزرگ می‌شد. زهرا سه ساله شده بود هر

حوادث

زن متهم به قتل در دادگاه از خودش دفاع کرد

قتل دو فرزند در بن‌بست زندگی



پدر متهم

وقت شوهرم سمتش می‌رفت قلبم به تیش می‌افتاد و می‌ترسیدم. شوهرم بچه‌ها را هم اذیت می‌کرد و فکر می‌کردم اگر زهرا را هم تنها پیدا کند کاری می‌کند که با بچه‌های مردم انجام داده است. از همه چیز خسته شده بودم کارهایی که فکر می‌کردم می‌تواند شوهرم را درمان کند امتحان کردم اما نشد. خودم هم نتوانستم طلاق بگیرم هیچ راهی جز مرگ برای ما نبود. اگر خودم خودکشی می‌کردم بچه‌ها گرفتار پدری می‌شدند که بیمار جنسی بود. بنابراین تصمیم گرفتم هرسمان بمیریم. با هم به کنار رودخانه کرج رفتم ماشین گرفتم پولی که همراهم بود خیلی کم بود اگر پشیمان می‌شدم هم نمی‌توانستم با آن به خانه برگردم. وقتی از تاکسی پیاده شدیم محمد خیلی خوشحال بود رفت کنار رودخانه که بازی کند.

مینا در این هنگام پشت تریبون با صدای بلند گریه کرد و گفت: زهرا را بغل کردم و بوسیدمش، صورتش را به صورت چسباندیم.گفتم دخترم تو نجات پیدا می‌کنی بعد او را داخل رودخانه پرت کردم.محمد این صحنه را ندید به سراغش رفتم پسرم را محکم در آغوش گرفتم و گفتم دیگر همه سختی‌ها تمام شد، پسرم خیره به

صورت‌م نگاه کرد او را هم به داخل آب پرت کردم، همه بدنم می‌لرزید بعد از پسرم خودم به سمت رودخانه رفتم و خودم را داخل آب انداختم نمی‌دانم چه شد که مردم و پلیس آمدند و من را نجات دادند. شوهرم کاری کرده بود که دیگر نمی‌توانستم ادامه بدهم هیچ‌کس در محل با من حرف نمی‌زد همه بچه‌هایم را با دست نشان می‌دادند و از همه بدتر این بود که نگران دخترم بودم. ما زندگی فقیرانه‌ای داشتیم اما هیچ‌وقت با این مساله مشکلی نداشتم.

در ادامه فهیمه حاج محمدعلی وکیل متهم در جایگاه حاضر شد و گفت: متهم اتهامات خودش را قبول دارد و من در این خصوص حرفی ندارم اما در مورد شخص مینا باید بگویم آنچه او انجام داده انعکاس رفتارهای شوهرش بوده است. این زن شرایط را تحمل کرده و کابوس‌ها زمانی به سراغ او آمده که دخترش بزرگ شده چهره یک دختربچه را پیدا کرده و رفتارهای پدر این کودک هراس را بر وجود این زن انداخته که مبادا دخترش قربانی کارهای غیراخلاقی پدر شود. همه ما می‌دانیم جنایی برای یک زن چه مراحل سختی در کشور دارد و مینا نه تنها در این خصوص شکست خورده بلکه راه‌های دیگری را هم امتحان کرده و شوهرش را نزد پزشک برده که راه به جایی نبرده است. این یک واقعیت است که متهم از سر استیصال دست به این قتل‌ها زده است. مطابق نظر پزشکی قانونی متهم دارای افسردگی است، این بیماری به لحاظ روحی او را از پای آورده است.

وکیل مدافع ادامه داد: او بعد از این قتل راهش را در زندگی عوض کرده محبتی که از فرزندانش دریغ شده به فرزندان خواهرش داده و مهر مادری را در وجود آنها نهاده است باز گرداندن این متهم به زندان به اصلاح او کمک نمی‌کند، درخواست دارم او را کمک کنید. در پایان متهم برای بیان آخرین دفاع در جایگاه حاضر شد و گفت: بعد از قتل فرزندانم شوهرم چون خودش را مقصر می‌دانست، اعلام رضایت کرد و ما از هم جدا شدیم. من از زندان آزاد شدم و بعد از مدتی خواهرم، در یک تصادف فوت شد و شوهرش از من درخواست ازدواج کرد تا ا بچه‌هایش مراقبت کنم. خواهرم پنج فرزند دارد و من با همه وجودم آنها را نوازش می‌کنم. تا هم آنها احساس غم کمتری به خاطر مادرشان بکنند و هم من بچه‌های نداشتام را پیدا کنم. شوهر سابقم حالا فهمیده که چه کرده است با من تماس می‌گیرد و از من می‌خواهد جدا شوم و دوباره با او ازدواج کنم اما دیگر به خانه او بر نمی‌گردم کارهای او باعث شد بچه‌هایم را از دست بدهم. نمی‌دانم چه حکمی برایم صادر خواهد شد اما اگر اعدامم کنید از این زندگی پر از درد و بی‌کسی راحت می‌شوم. اگر می‌دانستم زنده می‌مانم و حالا باید در برابر شما بایستم و جواب بدهم و درهایم را دوره کنم هر طور شده خودم را می‌کشم.

بعد از پایان جلسه دادگاه هیات قضات برای صدور رای وارد شور شدند و متهم را به شش ماه حبس تعزیری با احتساب ایام بازداشت و چهار سال و نیم حبس تعلیقی محکوم کردند.

داشت که کسی جز شهاب عامل قتل مادر و دختر نیست. تنها مظنون پرونده این بار نیز قتل را گردن نگرفت اما بازجویی‌ها از وی ادامه یافت و او بالاخره مهر سکوتش را شکست و پذیرفت جنایت را او انجام داده است. این مرد گفت: «من به شیشه اعتیاد داشتم و برای تهیه مواد دچار مشکل مالی شده بودم من قبلا دیده بودم مادر بزرگ و عمه زنم دستبند و انگوی طلا دارند برای همین به فکر اقدام با کشتن آنها جواهرات را سرقت کنم. روز حادثه به عنوان میهمان به خانه‌شان رفتم و هر دو را خفه کردم بعد قتیله چراغ را بالا بردم تا دود کند و آتش‌سوزی راه بیفتد با این کار می‌خواستم مرگ آن دو را حادثه جلوه بدهم. من قبیل از فرار از صحنه قتل مبلغ چهار هزار تومان پول نقد هم دزدیدم و بعدا فهمیدم طلاها بدلی هستند و پولی از آنها گیرم نیامد»

بنا بر این گزارش متهم به قتل اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از او ادامه دارد.



بی توجهی به اصول مسیح رانندگی، برخورد شدید خودرو سواری با گاردریل کنار بزرگراه بابایی مرگ راننده جوان را در پی داشت. در این حادثه که صبح دیروز رخ داد، گاردریل از قسمت جلوی خودرو وارد و از انتهای آن خارج شده و راننده جوان آن نیز به شدت آسیب دیده و درون اتاقک خودرو گرفتار شده بود.

حادثه

قتل پدر به خاطر ماهواره

●**مهر:** درگیری پدر و پسر بر سر تماشای ماهواره، جنایتی تلخ را رقم زد.
عابران صبح سه‌شنبه گذشته، هنگام عبور از کنار پل ستاری مشهد با جسد پتوییچی روبه‌رو شدند که از پل آویزان بود. آنها سپس موضوع را به پلیس اطلاع داده و با حضور تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی، جسد به پایین پل منتقل شد. پس از بازکردن پتو مشخص شد جسد متعلق به مردی میانسال است که آثار درگیری روی بدنش مشاهده می‌شد. عامل یا عاملان جنایت پس از قتل این مرد در محل دیگری، جسدش را به آنجا منتقل و قصد انداختن آن را به داخل کانال آب داشتند، اما مطالب‌هایی که با آن جسد پیچیده شده بود به نرده‌های کنار کانال گیر کرده بود. با حضور بازپرس جنایی مشهد تحقیقات ویژه برای آشنای راز این جنایت آغاز شد. با انگشت‌نگاری از مقتول هویت او در بانک اطلاعاتی پلیس فاش شد.مقتول متولد سال ۱۳۳۳ بود و سه بار به اتهام زن‌ا هانت و اعتیاد به زنان معرفی شده بود.او همچنین سال ۸۷ به صورت توقافی از همسرش جدا شده بود.پزشک قانونی نیز با معاینه جسد اعلام کرد، وجود آثار دفاعی روی بدن مقتول حکایت از درگیری او با قاتل دارد. در ادامه مأموران با شناسایی خانه مقتول راهی آنجا شدند و پسر او را در حال از بین بردن آثار جرم شناسایی و دستگیر کردند. او در ابتدا منکر قتل شد اما پس از روبه‌رو شدن با دلایل پلیسی لب به اعتراف گشود و گفت: برای خرید ماشین نیاز به یک میلیون‌تومان پول داشتم. شب حادثه از او خواستم این پول را به من بدهد اما مخالفت کرد. سر همین موضوع درگیر شده و او را با ضربه‌های کتری کشتم. متهم به قتل سپس به دادسرا منتقل شد و در حضور بازپرس جنایی گفت:شب حادثه‌می خواستم کشتی‌کچ بینیم اما پدرم داشت شبکه دیگری را تماشای می‌کرد. به او اعتراض کردم که با شیشه نوشابه به سمتم حمله کرد. من هم در دفاع با کتری او را کشتم. بعد جسدش را در میان پتو پیچیدم و قصد داشتم به داخل کانال آب پرت کنم که طناب‌ها به نرده‌ای کنار پل گیر کرد و جسد در هوا معلق ماند. پس از تحقیقات مقدماتی متهم با قرار قانونی روانه زندان شد.

دستگیری بدل اندازان حرفه‌ای

●**پلیس‌خبر:**دوبل‌انداز حرفه‌ای ساعتی پس از ارتکاب به جرم دستگیری و تحویل مقامات قضایی شدند.فرمانده انتظامی تربت جام در تشریح این خبر گفت:روزجمعه در بی تماس یکی از شهروندان با مرکز فوریت‌های پلیسی و اعلام گزارش‌س مبنی بر فروش طلای بدلی و فرار فرد کلاهبردار، مأموران وارد عمل شدند.سرهنگ «علی اصغر مختاری» افزود: بسا اجرا رادرمان طرح مهر متهمان در مدت‌زمانی کوتاه پس از وقوع جرم در حالی که با خودرو پرابد قصد متواری شدن به مشهد را داشتند دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شدند.سرهنگ مختاری تصریح کرد:متهمان در بازجویی‌های فنی وپلیسی ضمن اعتراف به سه مورد بدل‌اندازی در سطح شهر تربت جام شیوه کارشان را به این شکل توضیح دادند که یک نفر از آنها به عنوان دستفروش به شهروندان نزدیک می‌شد و پیشنهاد خرید طلا می‌داد، در همین حین همدستش به خرید وسایل بدلی اظهار تمایل می‌کرد و شخص فروشنده به قصد فریب دادن مالباخته به بهانه‌های مختلف از معامله با خریدار دوم (همدست خودش) خودداری می‌کرد و با این صحنه‌سازی طلای بدلی را به طمع‌شان می‌فروخت. سرهنگ علی‌اصغر مختاری خاطرنشان کرد:متهمان پس از تشکیل پرونده به منظور سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی شدند.

انهدام باند سارقان منزل

●**پلیس‌خبر:**مأموران پلیس آگاهی «رامسر»، شش عضو از اعضای باند سارقان منزل را با ۱۳ فقره سرقت شناسایی و دستگیر کردند. در پی وقوع چندین فقره سرقت منزل در سطح شهرستان«رامسر»، رسیدگی به موضوع به‌طور ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت.مأموران با انجام اقدامات اطلاعاتی و تحقیقات گسترده پلیسی در حین اجرای مأموریت و گشت‌زنی در سطح حوزه استحضاطی خود یکی از متهمان را شناسایی و دستگیر کردند. در تحقیقات و بازجویی‌های فنی پلیس از متهم دستگیری شده دریافتند، که اعضای باندی از اسارقان منزل مواجهند. مأموران در ادامه تحقیقات با انجام اقدامات اطلاعاتی و شناسایی مخفیگاه دیگر متهمان در چند مرحله عملیات موفق شدند، متهمان را دستگیر کنند. متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی تحویل مرجع قضایی شدند.

بریده اخبار

- نزاع در قهوه‌خانه‌ای در تجریش یک کشته و سه زخمی بر جای گذاشت.**
- نوجوان ۱۶ ساله‌ای که با کامیون در جاده کمربندی مشهد به شاندیز در حرکت بود توسط پلیس متوقف شد.**
- پلیس غرب استان تهران با شناسایی باند سارقان به عنف و دستگیری سه متهم، هشت فقره سرقت را کشف کرد.**
- سارق مغازه هنگام سرقت توسط دوربین مدار بسته شناسایی و از سوی پلیس بازداشت شد.**
- کارگر جوان در خیابان امین‌الملک تهران از زیر آوار ساختمان در حال تخریب نجات پیدا کرد.**